

کارم تمام‌نشدنی است!

گفت‌وگو با عادل بزدوده، عروسک‌ساز و کارگردان نمایش عروسکی

معصومه جلالی

عادل بزدوده، طراح و سازنده عروسک، فعالیت هنری خود را در سال ۱۳۵۳ با بازی در نمایش «مکتب‌خونه» آغاز کرد. دغدغه عشق به بچه‌ها او را به سمت کارهای عروسکی کشاند. او اولین کار کارگردانی خود را در سال ۱۳۷۲ با نمایش «آهای تو دیگه کی هستی» ثبت کرد. وی را در حال حاضر بعد از گذشت سی و پنج سال تلاش و کوشش در این حرفه، به عنوان طراح، سازنده عروسک، کارگردان و نویسنده نمایش‌های عروسکی در تئاتر و تلویزیون، طراح صحنه، عروسک‌گردان و بازیگر می‌شناسیم.

او در دو مجموعه تاریخی «مختارنامه» به کارگردانی داود میرباقری و «حضرت یوسف(ع)» به کارگردانی فرج‌الله سلحشور مسئولیت ساخت مجسمه‌ها و ابزار جنگی را بر عهده داشته است. **گویا مشغول طراحی و ساخت عروسک برای پروژه‌های هستید که مزاحمتان شدیم...**

بله، دوستان من در صدا و سیمای مرکز گیلان در گروه کودک می‌خواهند مجموعه عروسکی‌ای را بسازند و طراحی و ساخت عروسک‌ها را به من واگذار کرده‌اند. من هم شروع به ساخت و ساز کرده‌ام، فکر می‌کنم چند روز آینده عروسک‌ها را تحویل دهم. تصویربرداری این کار هم در شرایط بسیار خوب طبیعت استان گیلان اجرا می‌شود، به هر حال مجموعه‌ای است برای گروه کودک و نوجوان آن منطقه، که زندگی روزمره آنان را با گرفتاری‌ها و کنش و واکنش‌هایی که دارند به تصویر می‌کشد. من در چند ماه گذشته از همین نوع کار برای استان لرستان انجام دادم. از این بابت که تلویزیون شهرستان‌ها همت می‌کنند چنین مجموعه‌هایی را بسازند. من صد درصد به آنان کمک می‌کنم تا فعالیتشان به ثمر برسد. این کار را خیلی دوست دارم و دغدغه بسیار خوبی است برای من که رشته‌ام فقط در تهران کاربرد نداشته باشد، و در شهرستان‌ها هم از این ابزار برای ارتباط برقرار کردن با تماشاگر خردسال استفاده کنند. **چرا به عنوان کارگردان، نویسنده، عروسک‌گردان و عروسک‌ساز کمتر فعالیت تئاتر می‌کنید؟**

من در تئاتر کارم تمام‌نشدنی است. در هر



سوقعت که قرار بگیریم آن بخش از کارم را ادامه خواهیم داد. طراح و سازنده عروسک هستیم. الان یک چنین موقعیتی برایم پیش آمده و برای صدا و سیمای مرکز گیلان کار می‌کنم. ضمن اینکه منتظر شرایط تمرین نمایشنامه جدیدم را که در کانون پرورش فکری کودک و نوجوان (مرکز تله‌تئاتر) تقریباً تصویب شده، به مرحله بازبینی نزدیک کنم. متنم را نوشتم و به آن‌ها ارائه دادم. و در واقع منتظر شرایط تمرین برایم فراهم شود. سال گذشته نمایشنامه «گلی گلی جون» من در جشنواره تئاتر فجر شرکت کرد. منتظرم که یکی از سالن‌های خوب تئاتر شهر را به من بدهند، البته برای سالن چهارسو برنامه‌ریزی کرده‌ام. منتظرم که شرایط اجرا برایم فراهم شود. در کنار این کارها در دانشگاه هم مشغول تدریس هستم. عضو شورای بازخوانی و بازبینی متن در پارک لاله، مرکز تله‌تئاتر و تئاتر عروسکی هم هستم، من دیگر باید در تئاتر چه کنم که نمی‌کنم؟

این را هم اضافه کنم که دوستانی که می‌خواهند فارغ‌التحصیل شوند پایان‌نامه‌شان را با من می‌گذرانند یا اینکه من به عنوان هیئت ژوری در پایان‌نامه شرکت می‌کنم هم در دانشگاه سوره و هم در دانشگاه آزاد.

فکر می‌کنم مجموعه کارهایی که انجام می‌دهم به کار ارزش بیشتری می‌دهد. البته سعی و تلاشم این است که هر کدام را در وقت مخصوص خود انجام دهم تا تداخل کاری باعث اغتشاش فکری و ذهنی‌ام نشود.

حضور شما در تلویزیون بیشتر است آیا به جنبه مادی قضیه برمی‌گردد؟

باید عرض کنم که شرایط کار در تلویزیون جمهوری اسلامی ایران (شبکه یک و دو) بسیار سخت و ترش و ناهنجار است؛ حداقل برای من این‌طور است. و من برای این بزرگواران بسیار متأسفم که از یک انرژی بسیار سرشار، خودشان را محروم کردند و باز هم می‌گویم که برای این بزرگواران متأسفم. این انرژی که من دارم به همین سادگی به دست نیامده، نتیجه سی و پنج سال کار در عرصه تئاتر، سینما و تلویزیون است. حال چرا از این پتانسیل استفاده نمی‌کنند باید از بزرگان

برنامه‌ریز گروه شبکه یک و دو پرسید که چرا سراغ مبتدی‌ان می‌روند. مبتدیانی که اصلاً هیچ چیز نمی‌دانند. این را می‌توانم هم به لحاظ ارزش‌گذاری و هم به لحاظ فنی ثابت کنم. دوستان بزرگوار برنامه‌ریز، در این دو گروه کودک نسلی را که پایه‌گذار تئاتر عروسکی هستند، نسلی را که پایه‌گذار سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی عروسکی در ایران بوده‌اند، ناخواسته یا آگاهانه (آگاهانه را خیلی خیلی تأکید می‌کنم) پس می‌زنند. در حالی که به راحتی می‌توانند از توانایی آدم‌هایی مثل من بهره بگیرند چرا که به من آموختند که به دیگران بیاموزم و من دوست دارم از داشته‌های خود در عرصه‌های مختلف به خصوص در سریال‌های عروسکی بیش از این بهره ببرم. به همین منظور، ابراز خوشحالی می‌کنم که کارم در تهران متمرکز نشده است و همین‌جا از مجله صحنه اعلام می‌کنم به تمام مسئولان استان‌ها در صدا و سیما که عادل بزوده، با تمام توانایی‌هایی که دارد در خدمت پروژه‌های عروسکی آن‌هاست. مطمئناً نرخی هم که عادل بزوده دارد، نسبت به تهران بسیار کمتر است. آن چیزی است که تصور می‌کنند. من در تهران عروسکی را که می‌سازم نرخی بین ششصد تا هفتصد هزار تومان (نسبت به زندگی در تهران) دارد اما در شهرستان‌ها مطمئناً به یک‌سوم کاهش می‌یابد، یعنی خودم در شهرستان‌ها، یک‌سوم این دستمزد را می‌گیرم. نمی‌دانم که این دوستان بزرگوار برنامه‌ریز در گروه شبکه یک و دو کی قرار است از این خواب‌ناز بیرون بیایند و جواب خیل عظیم بچه‌های این مملکت را بدهند که اکثرشان با کارهای امثال من چون «خانه مادر بزرگه»، «شهر موش‌ها»، «قصه تابه‌تا»... بزرگ شده‌اند. نسل قبل از ما می‌دانند که ما چه کردیم، اما نسل جدید که شاهد این کارهای تلویزیونی است، واقعاً فکر می‌کنند سقف، سطح، کف و بلندی تلویزیون در برنامه‌های کودک، همین برنامه‌های سخیف و بسیار بسیار ضعیف و غیر آموزشی می‌باشد. متأسفانه اعلام می‌کنم که برنامه‌های «گروه جیم» در برنامه کودک تلویزیونی در شبکه یک و دو پربیننده‌ترین است.

بخش‌خصوصه برای این بزرگواران متأسفم و فکر

می‌کنم باید فکری اساسی و منطقی در این قضیه بشود. در واقع نسخه اصلی که برای این قضیه می‌توان نوشت تعریف به جا و منطقی تولید یک کار عروسکی است، در وسعت بسیار عظیمی که سازمان صدا و سیما دارد.

فکر می‌کنید ساخت یک سریال عروسکی، در سازمان صدا و سیما چقدر بودجه لازم دارد؟ نهایتاً صد میلیون تومان یا دویست میلیون تومان. اما تصور کنید نتیجه این هزینه را چند میلیون کودک در ایران خواهند دید. حتی دورافتاده‌ترین نقاط در ایران متصل به شبکه یک و دو می‌شود و آن‌ها می‌توانند برنامه‌های مختلف عروسکی، آموزشی، تفریحی را ببینند.

بنابراین باید از تجربیات بنده و خانم برومند، حمید جبلی، ایرج طهماسب، خانم محبوب و...

استفاده کنند. ما آماده خدمتیم.

اما دوست داریم شرایط کار به درستی برایمان تعریف شود. باید از این ابزار برای ارتقا فرهنگ جامعه بهره بگیریم که متأسفانه این عمل صورت نمی‌گیرد. گاهی شاهد تولید یک برنامه عروسکی خوب هستیم. الان شبکه یک مدت‌هاست که سریال کودکی خوبی ندارد. ما سال گذشته سریال «موش نمکی» را ساختیم. با یک «موش نمکی» فکر می‌کنند برای پانزده سال دیگر برنامه عروسکی تولید کرده‌اند، در صورتی که سریال «موش نمکی» یک مجموعه چند قسمتی است. چگونه می‌شود با این سریال چند قسمتی به نیاز این همه کودک پاسخ داد؟

من از فعالیت‌های شما در تلویزیون گفتم ولی شما منکر فعالیت در تلویزیون شدید...

بسیار کم در تلویزیون کار می‌کنم حتی به جرئت می‌گویم در این ده سال گذشته، فعالیت خاصی نداشتم البته در زمینه عروسکی کاری نکردم. اما، در سریال «حضرت یوسف» مسئول ساخت مجسمه‌های بسیار بسیار بزرگ بودم و بودجه عالی به من داده شد در سریال «مختارنامه» هم مسئول ساخت وسایل جنگی اعم از انواع و اقسام تیر و کمان، درفش‌ها، الم‌کتل‌ها و... بودم.

اما جواب شما را بدهم که از صحنه تئاتر به هیچ‌وجه نمی‌توانم دور شوم. سال پیش و پیش‌تر

و همین‌طور سال‌های قبل، در جشنواره‌های فجر، نمایش به روی صحنه می‌بردم. نمایش آخر من پارسال با نام چه خبره؟ چی شده؟ در جشنواره فجر اجرا شد و در کانون هم اجرا شد. در حال حاضر، چهار متن آماده دارم که سه تا از این متن‌ها را به تالار هنر ارائه دادم و دوستان آنجا هم به من گفتند که باشد کار کن ولی متأسفانه هیچ خبری نشد. مجبور شدم که یکی از کارها را به مرکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (مرکز تئاتر) ارائه دهم کنم که خوشبختانه آن‌ها پذیرفتند که شروع به کار کنم. خوب من فعالیت تئاتری خود را دارم و ادامه هم می‌دهم. با اینکه شرایط مالی در تئاتر بسیار بسیار ضعیف است حاضر در تئاتر هیچ پولی نگیرم اما برای بچه‌ها، برای تئاتر کار کنم. اما این شرایط در تلویزیون و سینما متفاوت است. با این توضیحاتی که دادم باز می‌گویم کارم را می‌کنم. حرفه‌ام را بلدم و هر کجای این حرفه که بایستم یک جوری می‌توانم اموراتم را بگذرانم، اما همچنان دلم برای کودکان می‌سوزد و دلم بسیار برایشان تنگ است. چون هر چه دارم و ندارم از بچه‌هاست، زندگی‌ام، بود و نبودم به بچه‌های این مرز و بوم و بچه‌های دنیا تعلق دارد.

گله کوچکی هم از جشنواره تئاتر کودک که در اصفهان برگزار شد دارم. صد درصد دغدغه این دوستان داور، کودک نیست. من شدیداً برای خانم گلاب آدینه احترام قائلم. حتی به همسر نازنینشان آقا مهدی هاشمی فوق‌العاده علاقه‌مندم و احترام می‌گذارم و این دو بزرگواران را هنرمندان واقعی می‌دانم اما در عرصه کار کودک نباید به سراغ این بزرگواران می‌رفتند. یا آقای خمسه، یا آقای رضا بابک. البته قبول دارم آقای بابک از پیش‌کسوتان کار تئاتر کودک در ایران هستند اما شما از ایشان بی‌رسید چند سال است برای کودک کار نکرده‌اند؟ مسئولان باید افرادی را که با تجربه‌ترند وارد کار کنند. این دآوری مثل این است که من سینما بلدم سینما خواندم در جشنواره هم شرکت کردم. مرا که سال‌هاست برای بچه‌ها کار می‌کنم در جایی داور کنند که کمتر دغدغه ذهنی من بوده است؛ مثلاً داور موسیقی شوم، شاید من موسیقی کودک را بشناسم ولی جزء تخصص و حرفه اصلی من که نیست... به نظر من می‌بایست این بزرگواران در انتخاب این دوستان نازنین که همه آن‌ها جزء بهترین‌های کارشان هستند (حرفه اصلی) کمی دقت می‌کردند و این دوستان را در فضایی که

کمتر دغدغه حرفه ایشان باشد نیاورند. به هر حال این درد دلی بود برای شما. حتماً حتماً اگر من این دوستان را ببینم با آن‌ها این مسئله را مطرح خواهم کرد. حتماً اگر آقای مصطفی رحماندوست را ببینم به او خواهم گفت که بیش از آنکه در انتخاب‌هایشان به شهرت و اسم آدم‌ها توجه کنند به آدم‌هایی فکر کنند که تمام دغدغه و فعالیتشان در عرصه کودک و نوجوان بوده چه تئاتر و چه عروسکی.

تقریباً شما به بیشتر نکات اشاره کردید، آقای بزودیه کمی از عروسک و ساخت عروسک در کشور صحبت کنیم. به نظر من در ساختن عروسک به نسبت دهه شصت و هفتاد رشد و پیشرفت چشمگیری داشتیم، چقدر با این جمله موافقید؟

بله در ساختن عروسک در عرصه تئاتر عروسکی رشد خوبی داشتیم و این خیلی خوب است. اما من همیشه این هشدار را به دانشجویان خود می‌دهم (که اکثرشان فارغ‌التحصیل رشته خودم هستند و با اکثرشان حتماً من پایان‌نامه گذراندم) که وای به آن روزی که فکر کنید که یک عروسک ساختید! وای به آن روزی که فکر کنید با ساختن یک عروسک به اوج می‌رسید با ساخت یک عروسک خوب وظیفه و مسئولیت شما برای کار بعد سنگین و سنگین‌تر می‌شود. به نظر من یک عروسک‌ساز خوب باید دارای خصیصه‌های مختلف باشد: ۱. توانایی تجزیه و تحلیل حجم و آن شخصیت را بتواند در ذهنش به وجود بیاورد. ۲. تعامل، گفت‌وگو، بحث، اتود زدن، طراحی کردن، ساخت ماکت با خمیر، ساخت ماکت با اشیاء مختلف. عروسک‌ساز آن چیزی را که ساخته باید بارها، از زوایای مختلف به آن نگاه کند. اینکه تصور کند یک زمانی یک عروسک را خیلی خوب و دقیق ساخته، پس احتیاج به آموخته‌های قبل ندارد، این بزرگ‌ترین و بی‌روس است که همه چیز او را نابود می‌کند. حتی ذهن خلاق را از بین می‌برد. من دادم به آن‌ها هشدار می‌دهم، حتی به خودم هم هشدار می‌دهم که عادل بزودیه، فکر نکن که «خانه مادر بزرگه»، «شهر موش‌ها»، «الو الو من جوجوام» و... را ساختی. اینکه توانستی یک کار خوب خلق کنی باید لیزره بر اندامت بیفتد، باید تمام صورتت از عرق خیس شود چرا که تو توانستی یک موجود را خلق کنی که این موجود می‌تواند در اذهان عمومی تأثیرگذار باشد. من اذهان عمومی را فقط یک منطقه یا یک کشور نمی‌دانم،

شاید منظورم دنیا باشد. اگر نگاهت جهانی باشد مطمئناً از تنبلی فکر و اندیشه دور می‌شوی و سعی می‌کنی خودت را آماده کنی تا بهترین خطوط ممکنه در ساخت عروسک به ذهنت بیاید، و می‌توانی به آن عروسکی که برای ساخت آن پروژه نیاز داری برسی و دست پیدا کنی. بله قبول دارم در ساخت عروسک خیلی خوب پیش رفتیم اما متأسفانه در بعضی مواقع دچار سهل‌انگاری و ساده‌انگاری شدیم. من این خطر را حس کردم، می‌بینم و دیدم. حتی می‌توانم به شما آدرس بدهم. متأسفانه یک برنامه تلویزیونی (که دو سه هفته هم از تلویزیون پخش شد) بسیار بسیار بد بر ضد عروسک و عروسک‌سازی راه‌اندازی شده بود. خوب کاملاً مشخص است نسلی را که عادت می‌دهیم به بد نگاه کردن، به بد دیدن، آینده کاملاً بدی را برایشان ترسیم می‌کنیم، آینده‌ای که در آن آن‌ها چیز زیبایی نمی‌بینند، فرق بین زشت و زیبا را تشخیص نمی‌دهند. من این را وظیفه خود می‌دانم که دانسته‌هایم را در دانشگاهی که تدریس می‌کنم به دانشجویان انتقال دهم با سخت‌گیری که به خودم و همچنین بر آن‌ها می‌گیرم سعی و تلاشم این است که آینده روشنی را در عرصه طراحی و ساخت عروسک برای سالیان بعد تضمین کنم. اما بگویم که من تنها هستم. و به تنهایی نمی‌توانم بار سنگین طراحی و ساخت عروسک در ایران را به دوش بکشم. البته دوستان بزرگوار مثل خانم محبوب هستند و دوستان دیگری که اگر همه باهم باشیم می‌توانیم با نحوه آموزش صحیح و نحوه دخالت دادن نیروهای جوان استعداد‌های بالقوه را بالفعل کنیم تا همه بهره‌برداریم، بهره‌بردارایی برای تئاتر عروسکی هم داشته باشیم. من مطمئنم با هماهنگی که می‌توانیم به عمل بیاوریم جایگاه رفیعی در این عرصه در دنیا به دست خواهیم آورد.

خیلی خوشحال می‌شوم وقتی می‌بینم دوستانی که شاگردم بودند و بچه‌هایی که با من فارغ‌التحصیل شدند، این گروه در پروژه «مکتب» شروع به ساخت عروسک نمی‌کنند. الحق که بسیار بسیار زحمت کشیدند با تمام کاستی که در طراحی‌های صورت وجود داشت واقعاً این تیم زحمت کشید خوب این حرکت و جهش بسیار خوب است، حرکت رشدیافته‌ای است، نباید جلوی‌اش گرفته شود، باید تلاطم داشته باشد، تا سرانجامش بهره‌برداران به فضایی باشد که آن فضا آکنده از این نیروهای بسیار خوب است.



باید به دوستان گروه کودک تلویزیونی گفت که شما کسی را که به عنوان تهیه کننده کار کودک انتخاب می کنید آیا می دانید این شخص کیست؟ چه سابقه کار برنامه کودک داشته است؟ سابقه کاری، فرهنگی این دوستان در عرصه کار کودک به خصوص کار عروسکی چیست؟ هر کسی قابلیت دانش و توانایی آن را ندارد که تهیه کننده سریال های عروسکی شود. متأسفانه وقتی این اتفاق می افتد همه دست به دست هم می دهند تا چیز ناخوش و ناپسند و نامیمونی را به تصویر بکشند. من واقعاً عرض می کنم که متأسفم برای آن دوربین هایی که روی این تصاویر زشت، زوم می کنند. من برای آن دوستانی که پشت دوربین نشسته اند برای کارگردان کار، برای سواد و دانش این دوستان، واقعاً متأسفم. دقیقاً این نشست گرفته از بی برنامه گی و بی حوصلگی و گریزی بودن این دوستان است. این دوستان دارند پول می گیرند، دارند مالیات مردم را می گیرند و به عنوان لقمه حلال از آن استفاده می کنند. من فکر می کنم قدری باید حواسشان جمع باشد که این لقمه حلال یک روزی گلوگیرشان نشود چون بچه ها باید راضی باشند.

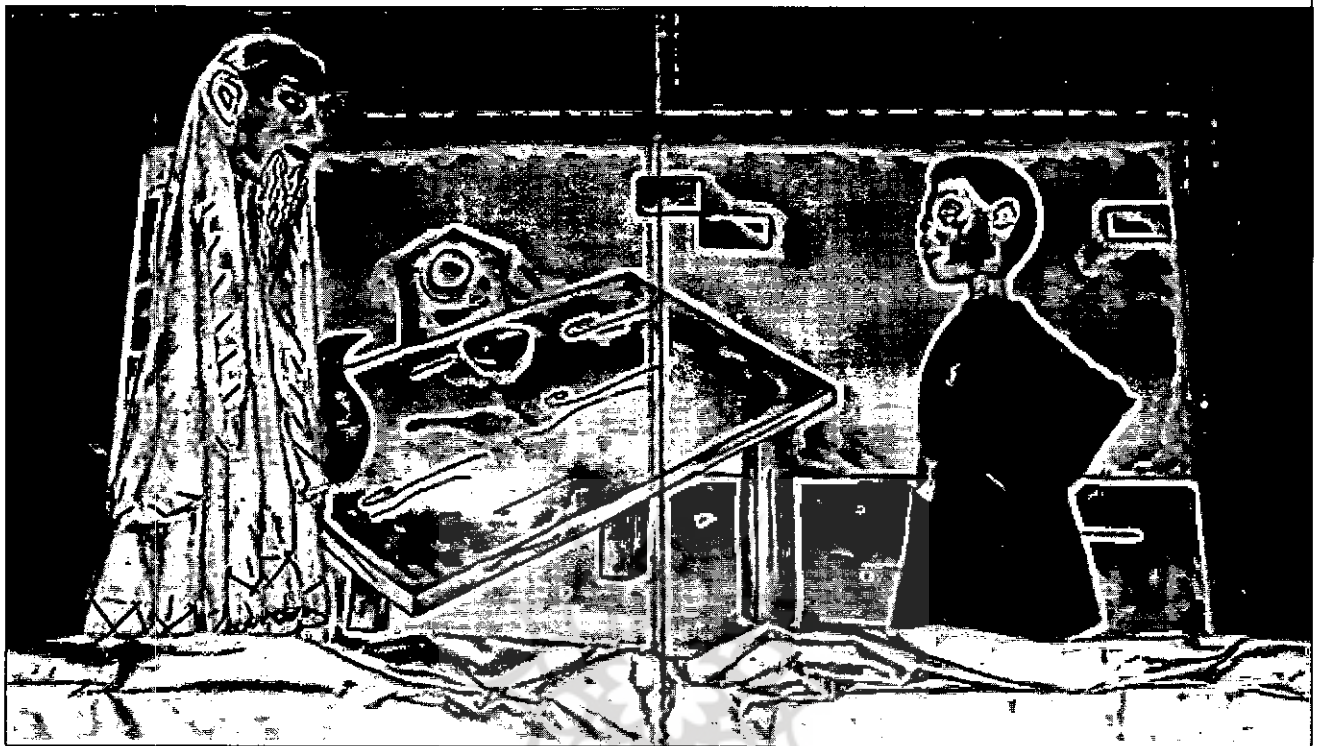
ما با عروسک نه تنها برای کودکان بلکه برای بزرگسالان هم نمایش اجرا می کنیم یا برنامه عروسکی می سازیم، شاید مانند زبان طنز تلخی ها و کاستی های جامعه را با این موجود بی جان به مخاطب انتقال می دهیم، قدری برای ما از قدمت نمایش عروسکی و یا عروسک صحبت کنید که چقدر برای ما ایرانی ها ارزش دارد؟

عروسک متعلق به یک سرزمین خاص نیست، عروسک با بشر به وجود آمده. کاوشگران، تاریخ نویسان، سیاحتگران و گردشگران اروپایی و شرقی راجع به پدیده های به نام عروسک جست و جو کرده اند و اسنادی هم به دست آورده اند و مشخص کرده اند که عروسک، همزاد انسان بوده، در هر قبیله ای و در هر سرزمینی یک نوع عروسک مورد استفاده قرار می گرفته نه عروسک های نمایشی بلکه عروسک نمادی بوده برای برگزاری مراسم های آیینی سنتی آنان، برای درخواست باران، دور شدن بیماری ها، برای زایش، دور شدن پلیدی ها، آمدن هوای خوب، آمدن برف، آمدن خورشید، در خود ایران ما در روز جهانی کودک در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، در مرکز آفرینش های هنری نمایشگاهی از عروسک های آیینی سنتی ایران و جهان را گردآوری کرده بودیم

به همین میزان که ساخت عروسک پیشرفت داشته است در بعضی موارد آثار ارائه شده به لحاظ ناظر عروسکی یا برنامه تلویزیونی عروسکی، ضعف های عمده ای دارد. این ضعف را ناشی از چه می دانید؟

خوشبختانه به دلیل مراقبت های سختی که ما جابج می دهیم این لغزش و ضعف در تئاتر عروسکی سیار بسیار کم بوده است و اگر هم ضعف و لغزشی داشته، این لغزش آن چنان نبوده که تأثیر منفی را اندیشه طراحان عروسک، برای تئاتر کودک بزرگسال بگذارد. اما من زنگ خطر را برای دوستان گروه کودک شبکه یک به صدا در می آورم نه ای دوستان چند صباحی بود که روزهای شنبه دودودا بین ساعت پنج تا پنج و پانزده دقیقه یک جری - متأسفانه - بدصدا با هیبت نه چندان مناسب به لحاظ ارائه کار، در کنارش یک عروسک سیار بسیار زشت و قلمه کن شده ای ظاهر می شد. نگار صورت این عروسک را در اسفنج دانه دانه ننده بودند. من تعجب می کنم این بزرگواران گروه کودک شبکه یک، چطور به خود اجازه می دهند که یک چنین عروسکی را از آرشو از بین رفته بود بیرون بیاورند و جلو دوربینی بگذارند که چه های سراسر ایران مخاطب آن هستند. ما چه نیازی را به آن ها آموزش می دهیم؟ کودکان با این برنامه آموزش کار دستی می بینند؟ کاری که ساخته می شود خودش کار دستی است. وقتی آن عروسک زشت و بدهیبت و بدصداست، بدترکت می کند، بدتصویر هست یعنی چه؟ ما چه نیز را در ذهن کودکان می کاریم. می خواهیم با این چنین برنامه هایی اعلام کنیم که سقف سطح ساخت عروسک در ایران این است؟ ضرورتی که من اعلام خطر می کنم و می گویم که نای میرکیانی حواستان جمع باشد که ساخت نامه های عروسکی را در تلویزیون به چه سمت و بو می برید؟ از یک طرف برنامه «موش نمکی» را از می کنید و می سازید که دست شما درد نکند، سیار سیاسگنداریم. اما از طرف دیگر برنامه را و عروسک را به ورطه سقوط نزدیک می کنید! نکنید این کار را! نکنید! من مطمئنم که بچه ها به شدت این کاری که شما می کنید دلگیرند. حتی من مسئول فرهنگی یکی از روزنامه های صبح درباره این برنامه صحبت کردم. اما آن شخص انگار نخواست که خود را درگیر این ماجرا کند. نتوانست صحبت های مرا جمع و جور کند و... به هر حال باید من مسئله را هشدار داد.

و جالب اینجا بود که از تمام شهرستان های ایران عروسک های آیینی سنتی جمع آوری کردیم که این عروسک ها بیش از چند صد سال در زندگی مردم نقش آفرینی کرده بودند. اگر بخواهیم کمی علمی تر صحبت کنیم به این اشاره می کنم که وقتی آقای بیضایی در نمایش در ایران خود، از آمدن و پیدایش عروسک به ایران صحبت می کنند از بحث های مختلفی حرف می زنند که یکی از مرجوعاتشان اشعار ماست؛ به ادبیات اشاره می کنند. اشعار ما، ادبیات ما خود به این موضوع دلالت می کند. عطار نیشابوری، نظامی گنجوی، خیام، حافظ، همه این استادان در آثارشان، در اشعارشان رد پای از عروسک و حتی استفاده از تکنیک عروسک هست. وقتی خیام در شعرش می گوید: «ما لعبتگانیم و فلک لعبت باز» دقیقاً به عروسک های نخ (خیمه شب بازی) و استفاده از آن اشاره می کند. اوج رواج خیمه شب بازی ما به صفویه برمی گردد. نقل قولی از آقای بیضایی در



نمایش «سپاوش گه» و همچنین در چند کتاب عنوان شده بگویم که بهرام شاه شش هزار نوازنده و رقص و عروسک گردان برای شش ماه به ایران آورده بود. با آن بودجه اندکی که داشت شش ماه در قصرش از آن‌ها خواست که برایش نمایش اجرا کنند.

نمایش عروسکی ما متعلق به چند صد سال پیش است اما اینکه چرا در این چند صد سال تداوم پیدا نکرده و رشد کمی و کیفی نداشته باید ریشه‌یابی شود. البته ریشه‌یابی آن چندان مشکل هم نیست به شرایط زیست‌محیطی و نحوه ارتباط شهرها و روستاها برمی‌گردد باهم که دور بوده. هنرمندانی که هفتصد سال پیش می‌خواستند از یک منطقه به منطقه دیگر بروند و نمایش اجرا کنند مسیر طولانی را باید سپری می‌کردند و این برایشان دشوار می‌شد. به همین منظور می‌گویم که دوران طلایی خیمه‌شب‌بازی در حکومت صفویه بوده. چون به این گروه نمایشی مرکزیت داده شد. وقتی جا و مکان مناسبی برای نمایشگران عروسکی مشخص شد. ما رشد کمی و کیفی در این گونه‌نمایشی در آن عصر می‌بینیم، این روند ادامه پیدا می‌کند. آخرین آثار مثبت حضور خیمه‌شب‌بازی در عصر قاجار است

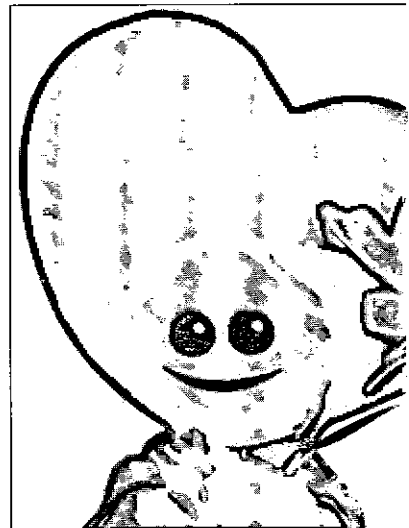
و از اواخر حکومت قاجار وقتی به حکومت پهلوی می‌رسیم همه چیز سخیف و کم‌ارزش می‌شود به طوری که سیر نزولی خیمه‌شب‌بازی را شاهدیم که تا به امروز ادامه پیدا می‌کند.

امروز اعلام می‌کنم که ما فقط دو پیش‌کسوت عزیز - که خداوند آن‌ها را شاکه عمر باعزت به آن‌ها بدهد - در عرصه خیمه‌شب‌بازی ایران داریم. فقط با این دو بزرگوار نمی‌توانیم مدعی شویم که هنر خیمه‌شب‌بازی داریم این دو نفر یکی استاد خمسه (پسر احمد خمسه) و دیگری استاد اکبر احمدی است که آقای احمدی شرایط جسمی خوبی ندارند و نمی‌توانند پای خیمه بنشینند. این را می‌خواهم بگویم که آدم‌های بزرگ ما دارند تمام می‌شوند و ما باید اسمشان را فقط در موزه هنر جست‌وجو کنیم، با این وضعیت پس چه کار می‌توانیم بکنیم؟ به نظر من باید شرایط تربیت نیرو را در دانشگاه فراهم کنیم چطور؟ با آوردن این بزرگواران به عنوان پیش‌کسوت خیمه‌شب‌بازی، در محیط‌های دانشگاهی، با نحوه تدریسشان و چگونه آموزش دادن آن‌ها سعی کنیم نیروی قوی آماده کنیم. من مطمئنم نسلی که در دانشگاه تحصیل می‌کند، به جرئت می‌گویم، خواهان یادگیری هستند. باید شرایط را

در دانشگاه طوری فراهم کنیم که این خیل عظیم عاشقان تئاتر عروسکی، عاشقان خیمه‌شب‌بازی را آموزش دهیم و از نابودی محض خیمه‌شب‌بازی جلوگیری کنیم. ما به خود می‌بالیم به آنچه که داریم و از طرفی می‌نالیم از اینکه روزی این بزرگواران را از دست خواهیم داد. باید برای هر جفتش تعریف درست و منطقی ارائه دهیم. ما پُر تاریخمان را می‌دهیم. از هفتصد سال پیش سخن می‌گوییم و به اینجا می‌رسیم ولی وقتی به اینجا می‌رسیم دست و بالمان می‌لرزد، می‌لرزد برای اینکه به پایان رسیده‌ایم.

امیدوارم شرایطی پیش بیاید که ما با این یأس و ناامیدی مبارزه کنیم. تکنیک خیمه‌شب‌بازی ما بسیار بسیار ساده و پرهیجان است. در نمایش‌های عروسکی دنیا، خیمه‌شب‌بازی ما جایگاه بسیار رفیعی دارد. از خیمه‌شب‌بازی ما بیشتر از این‌ها باید صحبت شود. باید فضا را برای تربیت دوستان عاشق خیمه‌شب‌بازی فراهم کنیم.

فکر می‌کنید زمینه برای پیشرفت عرصه خیمه‌شب‌بازی در حال حاضر فراهم می‌شود؟ خیر، اصلاً و ابداً. اگر یک مقدار دیگر از این مقوله صحبت کنید گریه می‌کنم. خیمه‌شب‌بازی ما در دنیا بی‌نظیر است. اما الان دستمان خالی



ست، خالی خالی، این را باید وزارت ارشاد، کانون زوروش فکری کودکان و نوجوانان، دانشگاه‌های نری طوری برنامه‌ریزی کنند که به یک ساختار بریف‌شده منطقی برسند تا خروجی‌اش نسل توانی باشد که بتواند خیمه‌شب‌بازی را از این وضعیت غبار گرفته صدساله نجات دهد.

بشخصه چقدر با نوآوری در ساخت عروسک واقفید؟

به نظر من نوآوری در ساخت عروسک وجود دارد. نوآوری یعنی چه؟ نوآوری در عرصه هنر، خصوصاً نمایش عروسکی برای من نوعی، یک مقدار ثقیل است، من خودم و حرفه خودم را شال می‌زنم. ما در این قسمت از هنر فعلاً در رحله یادگیری الفبا هستیم، به جمله‌سازی و استان نوشتن و رمان نوشتن نرسیده‌ایم. من نمایش عروسکی مدرن را مثال می‌زنم. آقای بدالله کریمی می‌گفت: با وجود تو عادل بزوده با وجود شما و این همه تجربه، نمایش عروسکی را ایران فعلاً تاتی‌تاتی راه می‌رود. این کودک آرام‌آرام روی پا ننگه دارد تا بزرگ و بزرگ‌تر شود، پس هنوز زود است که نمایش عروسکی را در این عصر، پس از گذشت پنجاه سال سابقه‌ی ضرور جدی در عرصه نمایش عروسکی دنیا، خواهد بگوید که نمایش عروسکی ما می‌تواند بود. نه ما نمی‌توانیم بدویم اما باید راه دویدن یاد بگیریم. فعلاً با آموزه‌های درست که انجام می‌شود ان‌شالله سرپا خواهیم ایستاد.

بعد از انقلاب رشد بسیار بسیار بالندهای رشته ن داشته، چرا؟ چون می‌دانم سال ۱۳۴۷ یا

۱۳۴۸ این رشته فعالیتش با چهار یا پنج نفر شروع شد و با این چهار پنج نفر به چند صد یا چند هزار نفر رسید که دارای تجربه آکادمیک، کلاسیک و عملی هستند. پس ما رشد کرده‌ایم اما نباید به این رشد بسنده کنیم باید فراتر از این برویم. لازمه‌اش این است که هم حواسمان به فضای درون خودمان باشد و بکوشیم با حضور در جشنواره‌های گوناگون تجربیات تازه‌ای کسب کنیم تا از تجربیاتشان سود ببریم.

شما در ابتدای صحبتتان اشاره کردید به فعالیتتان در شهرستان‌ها؛ به نظر شما به تئاتر عروسکی و کار با عروسک در شهرستان‌ها چقدر اهمیت داده می‌شود؟

دو اتفاق بسیار خوش‌بین برای من در زندگی‌ام روی داد. البته این بار دوم است که این اتفاق خوش برایم می‌افتد. چندین سال پیش من برای گروه کودک بندرعباس نیز کار کرده بودم. من دوستانم را که در گروه خرم‌آباد و گیلان برای کودکان آن منطقه کار می‌کنند ستایش می‌کنم. امیدوارم مدیریت‌های دیگر در شهرستان‌های دیگر پی به توانایی که کار عروسکی دارد ببرند. امیدوارم که مدیران از این ابزار که به راحتی می‌تواند بچه‌ها را از خیلی چیزها دور کند استفاده کنند. من از بد سخن نمی‌گویم، اگر از رادیو، ضبط و ماهواره درست استفاده شود خیلی خوب است و از آن‌ها دوچندان بهره خواهیم برد. متأسفانه چون تغذیه و آموزش ما برای بچه‌ها بسیار کم است، بچه‌ها سراغ بازی‌های رایانه‌ای می‌روند که خشونت در آن‌ها حرف اول و آخر را می‌زند. در این بازی‌ها، از بین بردن انسان، از بین بردن اندیشه حرف اول و آخر را می‌زند. بچه ما به خشونت عادت می‌کند، با خشونت بزرگ می‌شود. در این جهت وظیفه ما سخت‌تر می‌شود.

شما فکر می‌کنید تولید یک برنامه کودک در شهرستان نهایتاً چقدر خرج برمی‌دارد؟ برای شهرستانی که دو میلیون جمعیت دارد که هفتاد درصد آن را قشر نوجوان و کودک تشکیل می‌دهد، نباید مثلاً صد میلیون خرج شود؟ تا بچه‌ها پای تلویزیون بنشینند تا دروس درست انسانی، اخلاقی و زندگی را بیاموزند. این راه بهتر است یا اینکه کودک ما سراغ پلی‌استیشن برود که سراسر آن آموزش کشتار و خشونت است و ترویج حرص و طمع و مال‌اندوزی نامشروع؛ بازی‌ای که نابودی دیگران را در ذهن‌ها حک می‌کند. به نظر شما کدام روش انسانی‌تر است؟ به نظر من هرچقدر برای نسل کودک و خردسال خرج کنیم نه تنها جای دوری نرفته بلکه انسان‌هایی صالح،

بافرهنگ تأثیرگذار را تربیت کرده‌ایم. من این هشتادار را بارها و بارها داده‌ام، می‌دهم و بازهم خواهم داد. به همان اندازه که ما به نفت احتیاج داریم (بشکهای صد دلار) به همان میزان هم باید برای بچه‌ها خرج کنیم. شما فکر می‌کنید ما چقدر برای این بچه‌ها خرج کرده‌ایم؟ چند میلیون دلار، چند صد هزار تومان؟ هیچ و هیچ، و جالب اینجاست که می‌خواهیم از این هیچی، میوه‌هایی خوش‌طعم و خوش‌آب‌ورنگ بچینیم. متأسفانه در این قضیه کند عمل کرده‌ایم و ثمره‌اش تربیت بچه‌هایی می‌شود که بعد یقه خودمان را می‌گیرند که شما برای ما چه کردید؟ به ما چه آموختید؟ به ما چه آموزش دادید؟ هیچی. پس چون چیزی به ما ندادید ناخواسته جبر اقتصاد، جبر زندگی جبر روزگار ما را به سمتی سوق داده که برویم سراغ بازی‌هایی که خشونت حرف اول و آخر آن را می‌زند.

آقای بزوده از شما سپاسگزاریم که وقتتان را در اختیار ما و خوانندگان مجله صحنه قرار دادید. امیدواریم همواره موفق و پیروز باشید.

